

کرسی بلندمرتبه در عرش بزرگ





کرسی بلند مرتبه در عرش بزرگ

رسول خدا فرمود: این زمین با تمام کسانی که روی آن هستند در مقایسه با زمینی که زیر آن است هم‌چون حلقه‌ای است رها شده در یک صحرای صاف، و این دو با تمام کسانی که درون آن‌ها و روی آن‌ها وجود دارند، در مقایسه با زمینی که زیر آن‌هاست، هم‌چون حلقه‌ای در بیابان است، ...تا این‌که به هفتمی رسید، و آن هفت زمین با همه آنان بر پشت خروس، هم‌چون حلقه‌ای در بیابان است و خروس دو بال دارد، بالی در شرق و بالی در مغرب و دو پایش در حد فاصل میان دو زمین قرار دارد، و آن هفت زمین و خروس با تمام آن بر صخره(کمربندی کهکشان) قرار دارند که هم‌چون حلقه‌ای در بیابان است

و صخره با همه آن، بر پشت نهنگ(کهکشان) قرار دارند که هم‌چون حلقه‌ای در بیابان است و آن هفت زمین، خروس، صخره و نهنگ با همه آن، بر دریای تاریک(سلسله اعصاب متصل کیهان){ماده تاریک؛ درصد بسیاری از مناطق شناسایی شده در فضا توسط ماده تاریک به تسلط گرفته شده است} قرار گرفته‌اند که هم‌چون حلقه‌ای در بیابان است و هفت زمین، خروس، صخره، نهنگ و دریای تاریک بر روی هوا در حال حرکت(منطقه هوشمند خلقت) قرار دارد هم‌چون حلقه‌ای در بیابان است و هفت زمین، خروس، صخره، نهنگ، دریای تاریک و هوا بر خاک(قسمت پوشیده شده بر سلسله عوالم)، هم‌چون حلقه‌ای رها شده در صحرایی صاف است. هفت زمین، خروس، صخره، نهنگ، دریای تاریک، هوا و خاک و هر آن‌کس که درون و روی آن است، در مقایسه با آسمان اول(تمام مجموعه کهکشان‌ها، سحابی‌ها، ستارگان، سیارات، منظومات شمسی و...)، هم‌چون حلقه‌ای در بیابان است

یوسف فاطمه





و تمام این‌ها و آسمان دنیا با هر آن‌کس که روی آن و هر آن‌کس که درون آن است در مقایسه با آسمانی که بالای آن است هم‌چون حلقه‌ای در بیابان است و این دو آسمان و هر آن‌کس که درون‌شان و هر آن‌کس که رویشان است در مقایسه با آسمانی که بالای این دو است، هم‌چون حلقه‌ای در بیابان است تا این‌که به هفتمی رسید، و تمام آنان با هر آن‌کس که درون‌شان و روی‌شان است، در مقایسه با دریای پوشیده شده بر مردم زمین، هم‌چون حلقه‌ای در بیابان است



کرسی بلند مرتبه در عرش بزرگ

و این هفت آسمان و دریای پنهان در مقایسه با کوه‌های تگرگ هم‌چون حلقه‌ای در بیابان است و این هفت آسمان، دریای پوشیده شده و کوه‌های تگرگ در مقایسه با هوایی که قلب‌ها در آن حیران می‌گردند، هم‌چون حلقه‌ای در بیابان است و این هفت آسمان، دریای پنهان، کوه‌های تگرگ و هوا در مقایسه با حجاب‌های نور، هم‌چون حلقه‌ای در بیابان است و این هفت آسمان، دریای پنهان، کوه‌های تگرگ، حجاب‌های نور، در مقایسه با کرسی، هم‌چون حلقه‌ای رها شده در صحرایی صاف است. و این هفت آسمان، دریای پنهان، کوه‌های تگرگ، هوا، حجاب‌های نور و کرسی نزد عرش، هم‌چون حلقه‌ای رها شده در فلات‌اند



عوالم در هستی

خداوند ۱۰۰ هزار قندیل آفرید و به عرش آویزان کرد تمام آسمان‌ها و زمین و آن‌چه در آن است و حتی بهشت و دوزخ در یک قندیل قرار دارد و هیچ‌کس جز خداوند نمی‌داند که در سایر قندیل‌ها چیست



حضرت صادق علیه السّلام فرمود: خداوند را دوازده هزار عالم است، هر عالمی بزرگ‌تر از هفت آسمان و هفت زمین. که هیچ‌کدام از ساکنان عوالم برای خدا عالمی غیر خود نمی‌دانند، من بر تمام آن‌ها حجت هستم



وصف ظاهری عرش بزرگ الهی

علی بن حسین علیه السلام فرمودند: همانا خداوند عزوجل عرش را در چهار مرحله خلق کرد و قبل از آن تنها سه‌چیز آفریده بود؛ هوا، قلم و نور. سپس از آن نورهای مختلفی به وجود آورد، و از جمله آن نورها، نور سبز است که رنگ‌های سبز، زرد، سرخ و سفید از آن پدید آمده است و نور سفید، نور تمامی نورهاست که روشنایی صبح نیز از آن گرفته شده است. سپس عرش را هفتاد طبقه گردانید. استحکام هر طبقه‌ای از عرش، به مانند استحکام ابتدای عرش تا پایین‌ترین مکان آن می‌باشد و در هر طبقه‌ای فرشتگانی تسبیح خدای عزوجل را می‌گویند و با آواهایی متفاوت و زبان‌هایی مختلف به تقدیس او می‌پردازند و اگر به یکی از آن زبان‌ها اجازه داده شود تا صدایش را به قسمت پایین خود برساند، کوه‌ها، شهرها و دژها نابود می‌شوند و دریاها منفجر می‌گردند و هر آن چه در پایین آن ملائکه قرار دارد، هلاک می‌شود. عرش هشت ستون دارد و هر ستونی را تعدادی بی‌شمار از فرشته که عددشان را تنها خدا می‌داند، حمل می‌کنند و در شب و روز خدا را تسبیح می‌گویند



خاصیت پرده ها و حجاب های گسترده آسمان

درباره پرده‌ها و حجاب‌های بزرگ آسمان از امیرمؤمنان پرسیدند و ایشان فرمود: تعداد اولین پرده‌ها هفت است. اندازه و قطر هر یک به اندازه مسیر پانصد سال است و میان هر پرده‌ای پانصد سال فاصله است. پرده دوم، هفتاد پرده است که بین هر یک، فاصله پانصد ساله است که طول آن پانصد سال است و برای هر پرده‌ای هفتاد هزار فرشته است که قدرت هر یک به اندازه قدرت جن و انس است. برخی از این پرده‌ها نور، تاریکی، آتش، دود، ابر، آذرخش، باران، تندر، شن، کوه، گرد و غبار، آب و برخی دیگر رودهای‌ند و هر یک از این‌ها پرده‌هایی متفاوت‌ند که قطر هر پرده، مسیر هفتاد هزار سال است

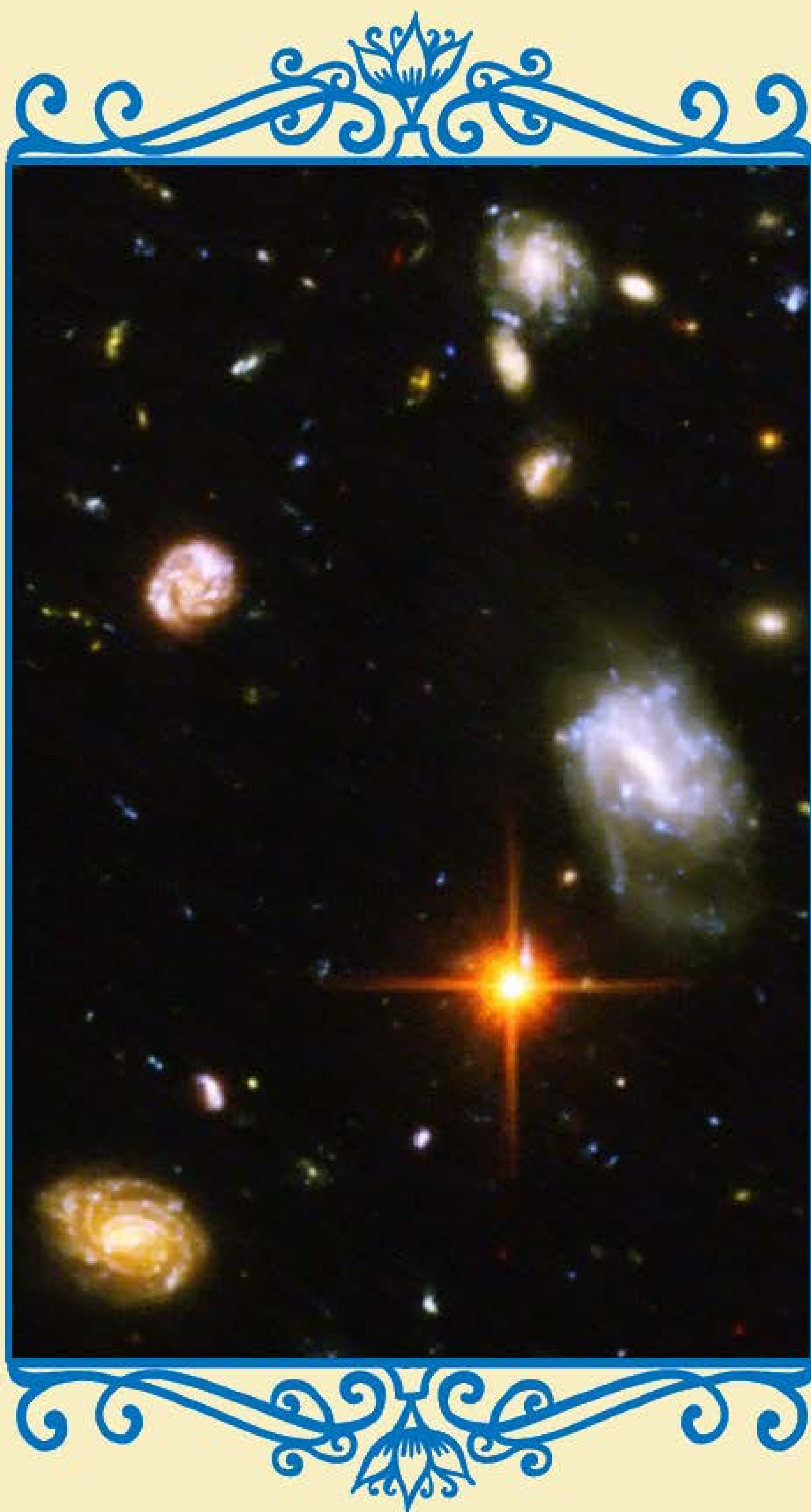


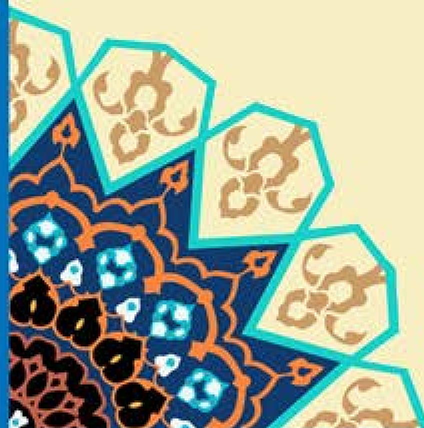
خاصیت پرده ها و حجاب های گسترده آسمان

آن‌گاه سرا پرده‌های جلال است که عدد آن به هفتاد می‌رسد که در هر سراپرده، هفتاد هزار فرشته است و فاصله بین هر سراپرده، مسیر پانصد سال است.
آن‌گاه سرا پرده عزّت است، سپس سراپرده کبریاء، عظمت، قُدس بعد از آن سراپرده جبروت و فخر و سپس سراپرده نور سپید و تابان و بعد از آن سراپرده یگانگی و وحدانیت است که آن‌ها مسیر هفتصد هزار سال است و بعد از حجاب اعلی قرار دارد

درّ المنثور به چند سند دیگر از پیغمبر، نزد او نشسته بودیم و ابری گذشت، فرمود: می‌دانید این چیست؟ گفتند: خدا و رسولش داناترند. فرمود: این غیابه است، خدا آن را به مردم شهری می‌راند، که نه او را می‌پرستند و نه شکر می‌کنند، می‌دانید بالایش چیست؟ گفتند: خدا و رسولش داناترند، فرمود: بالایش موجی است محبوس شده و سقفی نگه‌داشته است، می‌دانید بالای آن چیست؟ گفتند خدا و رسولش داناترند، فرمود: آسمانی دیگر، می‌دانید میانشان چه اندازه است؟ گفتند خدا و رسولش داناترند، فرمود: ۵۰۰ سال راه، تا هفت آسمان شمرد و فرمود میان هر دو ۵۰۰ سال راه است. سپس فرمود: می‌دانید بالای آن‌ها چیست؟ گفتند: خدا و رسولش داناترند، فرمود: عرش است، می‌دانید میان آن دو چه اندازه است؟ گفتند: خدا و رسولش داناترند، فرمود: چون میان دو آسمان، سپس فرمود: می‌دانید این چیست؟ این زمین است، می‌دانید زیر آن چیست



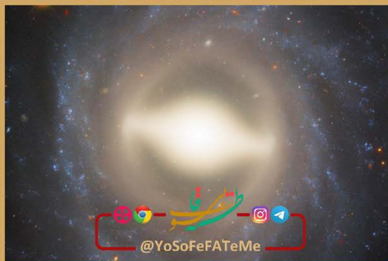




گفتند: خدا و رسولش داناترند، فرمود: زمین دیگر و میان هر دو ۵۰۰ سال راه تا هفت زمین برشمرد که میان هر دو زمین ۵۰۰ سال راه است و میان دو آسمان ۵۰۰ سال و کلفتی هر آسمان ۵۰۰ سال، و این می‌شود ۱۴ هزار سال، و میان آسمان و عرش ۳۶ هزار سال، و این است معنی قول خدا در روزی که ۵۰ هزار سال است



ابن فارسی در (الروضه) از جعفر بن محمد، از پدرش، از جدّ بزرگوارش روایت کرده است که: صورت و تمثال تمام مخلوقات خدا چه در دریا باشند و چه در خشکی، در عرش الهی موجود است و این تأویل کلام خداوند است که می‌فرماید: «وَإِن مِّن شَیءٍ إِلاَّ عِندَنَا خَزَائِنُهُ»، وسعت عرش چنان است که اگر فاصله میان یک پایه عرش تا پایه دیگر را پرنده‌ای سریع السیر پرواز کند، هزار سال به طول انجامد. عرش الهی هر روز با هفتاد رنگ نور پوشانده می‌شود که هیچ یک از مخلوقات توان نگریستن به آن را ندارند و تمام این اشیاء در عرش الهی چون انگشتری در بیابان است



عرش بزرگ الهی

خداوند سبحان فرشته‌ای دارد به نام حزقائیل، که هیجده هزار بال دارد و فاصله دو بال او از هم سال می‌باشد روزی با خود گفت: آیا بالاتر از عرش الهی چیزی قرار دارد؟ خداوند به همان تعداد بال به او داد و به او وحی کرد ای فرشته! پرواز کن. او به مدت بیست هزار سال پرواز کرد، اما به فراز ستونی از ستون‌های عرش نرسید. پس خداوند، تعداد بال‌ها و توان و قدرت او را دو چندان کرد و امر کرد تا پرواز کند، او سی هزار سال دیگر پرواز کرد و باز نرسید. خداوند به او فرمود: ای فرشته! اگر تا روزی که در صور دمیده شود با بال‌ها و تمام قدرت خود پرواز کنی، به یکی از پایه‌های عرش نیز نخواهی رسید



شمار مخلوقات خداوند از آسمان تا عرش

شمار بنی آدم یک دهم جنیان هستند، و جنیان همه یک دهم جانداران بیابان، و آنان همه یک دهم پرنده‌ها، و آنان همه یک دهم جانداران دریا، و آنان همه یک دهم فرشته‌های گماشته بر زمین، و آنان همه یک دهم فرشته‌های آسمان دنیا، و آنان همه یک دهم فرشته‌های آسمان دوم، و به همین ترتیب تا آسمان هفتم، سپس همه در برابر فرشته‌های کرسی کمتر و اندک هستند. سپس همه آنان یک دهم فرشته‌های یک سراپرده از سراپرده‌های عرشند که تعداد آن‌ها ششصد هزار است. و چون درازای هر سراپرده و پهنا و بلندیش با آسمان‌ها و زمین‌ها و آن‌چه در آن‌ها و میان آن‌ها است سنجیده شود، همه این‌ها در برابرش اندک‌ند، و اندازه کوچکی و به اندازه جای پایی در آن نیست جز این‌که فرشته‌ای در آن به سجده است یا در رکوع، و یا بر سر پا ایستاده و زمزمه‌کنان مشغول به تسبیح و تقدیس



شمار مخلوقات خداوند از آسمان تا عرش

سپس همه اینان در برابر فرشته‌ها که گرد عرش می‌گردند، مانند یک قطره هستند در دریا و تعدادشان را جز خدا نمی‌داند، سپس با این‌ها است فرشته‌های لوح که پیروان اسرافیل‌اند، و فرشته‌هایی که سپاهیان جبرئیل‌اند، و همه شنوا و فرمان‌بردارند و سستی ندارند، و مشغول عبادت و پرستش خدای سبحان هستند، و زبان‌شان به ذکر و تعظیم‌ش گشوده است و از روزی که آفریده شدند، به هم در آن پیشی می‌گیرند. در آنان و لحظات شب و روز از پرستش او تکبر نمی‌ورزند و خسته نمی‌شوند. اجناس آن‌ها شماره ندارند، و نه مدت عمرشان، و نه کیفیت عبادات‌شان، و این است تحقیق حقیقت ملکوتش جل جلاله، چنان‌چه فرمود: «و مایعلم جنود ربّک إلّا هو»، {و (شماره) سپاهیان پروردگارت را جز او نمی‌داند.}



مبداء ساختار آفرینش کائنات در دریای نور اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام

عبدالله بن مسعود گوید: بر رسول خدا وارد گشته و سلام کرده و گفتم: یا رسول الله، حق را آن گونه که عیان باشد به من نشان به‌دهید. فرمود؛ خداوند من و علی و حسن و حسین را از نور قداست (خاص و درخشان) خود آفرید، و چون اراده فرمود خلق را آفرینش کند، نور مرا شکافت و از آن آسمان‌ها و زمین را آفرید؛ پس به خدا سوگند که منزلت من از آسمان‌ها و زمین ارجمندتر است. و نور علی را شکافت و از آن عرش و کرسی را آفرید، و به خدا سوگند، علی ارجمندتر از عرش و کرسی است. و نور حسن را شکافت و از آن حوریان و فرشتگان را آفرید؛ و به خدا سوگند، حسن از حوریان و فرشتگان ارجمندتر است



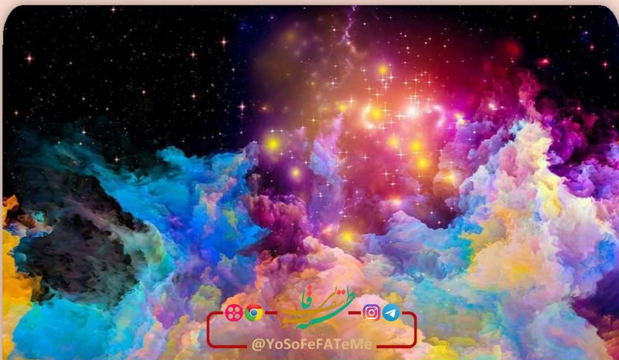
مبداء ساختار آفرینش کائنات در دریای نور اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام

و نور حسین را شکافت و از آن لوح و قلم را آفرید، و به خدا سوگند حسین از لوح و قلم ارجمندتر است؛ و از این پس بود که مشارق و مغارب عالم، تاریک گشت. پس فرشتگان فریاد برآورده و گفتند: ای خدای ما و ای سرور ما، تو را به حق اشباحی که آفریده‌ای سوگند می‌دهیم که ما را از این تاریکی نجات دهی. در این هنگام خداوند کلامی دیگر فرمود و از آن روحی آفرید و نور آن روح را حمل کرد و خداوند حضرت زهرا، فاطمه خلق فرمود و او را در مقابل عرش قرار داد، پس مشارق و مغارب به نور او روشن و درخشان گردید و به همین دلیل «زهراء» نامیده شد



دریایی از آب در آسمان هفتم مستقر بر عرش بزرگ پروردگار جهانیان

علی بن ابراهیم از امام صادق: وقتی آسمان آغاز به باریدن می‌کرد، امام علی علیه السلام زیر باران می‌رفت تا سر، ریش و لباس‌شان خیس شود. به ایشان گفتند: ای امیرمؤمنان! بر سر خود پوششی بگذار. امام در جواب می‌فرمود: این آبی‌ست که تازه از عرش باریده است، سپس فرمود: زیر عرش، دریایی از آب است که روزی حیوانات به وسیله آن می‌روید، اگر خدای متعال بخواهد از رحمت خویش برای آن‌ها چیزی روزی دهد، به آن وحی می‌کند و هر آن چه به‌خواهد باران می‌بارد، از آسمانی به آسمانی دیگر تا این که به آسمان دنیا می‌رسد آن‌گونه که گمان می‌کنم باران را در ابر که حکم اَلَک را دارد می‌ریزد. سپس به باد وحی می‌شود که آن را بکوب و مانند آب ذوب کن. پس آن را به این‌جا و آن‌جا ببر و سپس مدتی طولانی بر آنان فرو ریز، پس باران نیز به همان‌گونه که خدا امر فرموده، بر آنان قطره قطره می‌بارد



علی بن ابی طالب راز پنهان گنجینه عرش بزرگ الهی

حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب فرمود: من به راه‌های آسمان‌ها آشناتر از راه‌های زمین هستم؛ ما اسم پنهان(اسرارآمیز) کتاب خداوند هستیم؛ ما اسماء حسنی هستیم که وقتی خدا را به آن اسم‌ها بخوانند، جواب خواهد داد؛ ما نام‌های نوشته‌شده بر عرش بزرگ هستیم؛ به واسطه ما خداوند عزوجل آسمان‌ها، زمین، کرسی، عرش، بهشت و جهنم را آفرید؛ ملائکه از ما تسبیح، تقدیس، توحید، تهلیل و تکبیر را آموختند؛ ما همان کلماتی هستیم که آدم از خدا دریافت کرد و پروردگار توبه‌اش را پذیرفت



عظمت متکبرانه آفرینش پروردگار جهانیان

از ابی ذر است که رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله و سلم «هَلْ أَتی عَلَی الْإِنْسانِ» را تا پایان خواند، سپس فرمود: راستی من می‌بینم آن‌چه را شما نمی‌بینید و می‌شنوم آن‌چه را شما نمی‌شنوید، آسمان سنگین است و می‌سزد که سنگین باشد، در آن جای چهار انگشت نیست جز آنکه فرشته‌ای در آن سر به سجده دارد، به خدا اگر آن‌چه می‌دانم می‌دانستید کم می‌خندیدید و پر می‌گریستید، و با زنان هم‌بستر نمی‌شدید که کام گیرید، و به تپه‌ها بر می‌آمدید و به خدای عزوجل پناهنده می‌شدید

آن‌ها درخت نبوت، خاندان رحمت، کلید حکمت، معدن علم، پایگاه رسالت، محل رفت و آمد ملائکه، مخزن اسرار خدا و امانتی که به آسمان‌ها و زمین عرضه شد. علم منایا و بلایا و وصایا و فصل الخطاب و میلاد اسلام و نژاد عرب در نزد ماست. آن‌ها نور درخشان اطراف عرش خدا بودند ساکنین آسمان‌ها از آنان تسبیح را آموختند



مقام و مرتبه بزرگ اهل بیت در آفرینش هستی

امام جعفر بن محمد فرمود: قلب‌های ما با قلب‌های مردم متفاوت است. ما افرادی مطیع، خالص‌شده و برگزیده هستیم. اموری را مشاهده می‌کنیم که مردم آن‌ها را نمی‌بینند و چیزهایی را می‌شنویم که دیگران قادر به شنیدن آن نیستند و فرشتگان در خانه‌هایمان بر ما فرود می‌آیند و روی بسترهایمان راه می‌روند

امام جعفر بن محمد فرمود: قلب‌های ما با قلب‌های مردم متفاوت است. ما افرادی مطیع، خالص‌شده و برگزیده هستیم. اموری را مشاهده می‌کنیم که مردم آن‌ها را نمی‌بینند و چیزهایی را می‌شنویم که دیگران قادر به شنیدن آن نیستند و فرشتگان در خانه‌هایمان بر ما فرود می‌آیند و روی بسترهایمان راه می‌روند... ...از این که چهارپایان به ما گزندی برسانند جلوگیری می‌کنند. هر گیاهی را که در هر دوره بر روی زمین می‌روید نزد ما می‌آورند و از آب همه قسمت‌های زمین به ما می‌نوشانند و ما آن را در مشک‌هایمان می‌یابیم. آن‌ها همواره روز، ساعت و وقت نماز را به ما اطلاع می‌دهند. هیچ شبی بر ما فرا نمی‌رسد مگر آن که اخبار همه زمین و آن چه در آن‌جا اتفاق می‌افتد و نیز اخبار جنیان و فرشتگان آسمان نزد ماست. هر گاه فرشته‌ای در زمین از دنیا می‌رود و فرشته دیگری جانشین آن می‌شود، آن‌ها این امر و گذشته او را به ما اطلاع می‌دهند.

هم‌چنین اخبار تمام زمین‌های هفت‌گانه را به ما خبر می‌دهند... ...خداوند به وسیله ما دین را آغاز کرد و به واسطه ما، آن را به پایان می‌رساند. به وسیله ما است که خداوند شما را از آن‌چه در زمین می‌روید، اطعام می‌کند و به واسطه ماست که باران را از آسمان فرو می‌ریزد. به وسیله ماست که خداوند شما را از غرق شدن در دریا و فرو رفتن در زمین باز می‌دارد و به واسطه ما است که خداوند در زندگی و در قبر و رستاخیز و در صراط و وقت حسابرسی و ورود به بهشت به شما سود می‌رساند... ...ما حجت خدا در میان بندگان و گواهان بر خلق و امنای بر وحی و خزینه‌داران علم او هستیم، ما وجه خداییم که از آن جناب باید به سوی او رفت، و دیده او میان مردم و زبان گویا و باب اللّٰه هستیم که راهنما به سوی اوییم. ما عالم به امر و دعوت‌کننده راهش هستیم؛ به وسیله ما خدا شناخته شد و پرستش گردید.

ما راهنمایان به سوی خداییم؛ اگر ما نبودیم خدا پرستش نمی‌شد... ...ما شجره نبوت و گنجینه رسالت و محل رفت و آمد ملائکه و پیمان و تعهد خداییم. ما ودیعه‌های خدا و حجت اوییم. ما صفوف درخشانی از نور در اطراف عرش بودیم. ما خدای را تسبیح می‌کردیم و اهل آسمان‌ها از تسبیح ما تسبیح می‌نمودند تا به سوی زمین آمدیم... ...ما درختی هستیم که ریشه آن پیامبر اکرم، تنه آن امیرالمؤمنین علی علیه السّلام، شاخه‌هایش فاطمه دختر محمّد و میوه آن حسن و حسین علیهما السّلام هستند. آن‌ها درخت نبوت، خاندان رحمت، کلید حکمت، معدن علم، پایگاه رسالت، محل رفت و آمد ملائکه، مخزن اسرار خدا و ودیعه او و امانتی که به آسمان‌ها و زمین عرضه شد، حرم بزرگ خدا، بیت عتیق او و حرم خدا هستند. علم منایا و بلایا و وصایا و فصل الخطاب و میلاد اسلام و نژاد عرب در نزد ماست.

آن‌ها نور درخشان اطراف عرش خدا بودند. خداوند دستور داد آن‌ها تسبیح بگویند. ساکنین آسمان‌ها از ایشان تسبیح را آموختند. سپس به زمین آورده شدند. در آن‌جا دستور تسبیح داد به آن‌ها؛ اهل زمین به وسیله تسبیح آن‌ها، تسبیح گفتند. به پای ایستادگان در خدمت خدا آن‌هایند و تسبیح کنندگآن‌که در قرآن یاد شده این خانواده‌اند. هر که به پیمان آن‌ها وفا کند، به پیمان خدا وفا کرده؛ هر که حق آن‌ها را بشناسد، حق خدا را شناخته است. آن‌ها فرمانروایان امر خدا، گنجینه‌های وحی او، وارث کتاب خدا، برگزیدگان اسرار او و امین‌های وحی خدایند. آن‌ها اهل بیت نبوّت و معدن رسالت و کسانی هستند که به بال و پر ملائکه انس گرفته‌اند؛ کسانی که جبرئیل از جانب خدا به آن‌ها تغذیه تنزیل و تاویل قرآن می‌کرد.

آن‌ها خانواده‌ای هستند که خداوند آن‌ها را به اسرار خود گرامی داشت، آن‌ها را به کرامت خویش ممتاز نمود، با هدایت عزت بخشید، به وحی پایدار کرد و ایشان را رهبران هدایت و نور نجات در تاریکی قرار داد. آن‌ها را به دین خویش اختصاص داد و با علم خود مزیت بخشید؛ به آن‌ها مزایایی بخشید که به هیچ یک از جهانیان نداده است. بعد آن‌ها را استوانه دین خود و مخزن اسرار و امین بر وحی و برجستگان خلق و گواهان بر مردم قرار داد. خداوند ایشان را برگزید و مورد لطف و عنایت و فضل و رضایت و انتخاب خویش قرار داد، و ایشان را پاکیزه کرد. آن‌ها را وسیله آبادی شهرها و شهروندان قرار داد و آن‌ها را راهنمای امت بر صراط قرار داد. آن‌ها ائمه هدی و داعیان تقوا و کلمة اللّٰه بزرگ و حجت عظمی هستند.

آن‌هایند سبب نجات و تقرب به خدا و آن‌هایند برگزیدگان شایسته و رهبران ممتاز و ستارگان درخشان؛ آن‌ها صراط مستقیم و راه پایدارند. هر که از آن‌ها فاصله بگیرد، منحرف است و کسی که درباره آن‌ها کوتاهی کند، گمراه است و هر که ملازم ایشان باشد، به هدف واقعی می‌رسد. آن‌ها نور خدا در دل‌های مؤمنین و دریاهای گوارا برای نوشندگان هستند. هر که به آن‌ها پناه برد، آسوده است و هر که چنگ به دامن ایشان زند، در امان است. آن‌ها داعی به سوی خدا و تسلیم امر او و عامل به دستورش و حاکم کتاب خدایند. از این خاندان خداوند پیامبر را برانگیخته و بر آن‌ها ملائکه را نازل فرموده و در میان ایشان آرامش و سکینه را نازل نموده و به سوی آن‌ها روح الامین نازل شده.

این‌ها لطف و عنایتی است از خدا بر آن‌ها که به ایشان اختصاص داده و آن‌ها را با این مقامات مزیت بخشیده است. آن‌ها پایگاه‌های بابرکت و قرارگاه رحمت خدایند. گنجینه‌های علم و وارث حلم و تقواپیشگان و صاحبان خرد و چراغ درخشان و وارث انبیا و یادگار اوصیایند.



دانستنی های علمی

درباره عظمت کائنات (جهان هستی)

خوشبختانه امروزه با ابزارهای نردبان کیهانی و روش‌های گوناگون رو به پیشرفت، دانشمندان می‌توانند با دقت بالایی فواصل کیهانی را اندازه‌گیری کنند و شناخت ما را از عالم هم‌چنان افزایش دهند. کهکشان راه شیری، کهکشانی مارپیچی است که شامل حدود ۵۰۰ میلیارد ستاره است. این کهکشان حدود ۱۰ میلیارد سال پیش، از یک ابر عظیم گاز و غبار تشکیل یافت. در قسمت مرکزی کهکشان راه شیری هسته‌ای کروی قرار دارد که ممکن است شامل یک حفره سیاه نیز باشد. هسته توسط گروهی از دنباله‌های مارپیچی در برگرفته شده است. این دنباله‌ها از ستاره‌های فروزان تازه شکل یافته تشکیل شده‌اند. هسته و قرص کهکشان با هاله‌ای از ستاره‌هایی با طول عمر بسیار زیاد، در بر گرفته شده‌اند. قطر هسته یک کهکشان در حدود ۱۰۰۰۰ سال نوری است. قسمت احاطه کننده هسته دارای قطری برابر با ۱۰۰۰۰۰ سال نوری و ضخامتی برابر با ۱۰۰۰ سال نوری است. هاله کهکشان دارای قطری تا ۵۰۰۰۰ سال نوری است. منظومه‌شمسی (شامل ابر اوپتیک-اورت) با عرضی برابر با سه سال نوری نسبتا کوچک به نظر می‌رسد. خورشید با سرعتی حدود ۲۲۰ کیلومتر (۱۳۵ مایل) در ثانیه، مرکز کهکشان را در مدت زمانی حدود ۲۵۰ میلیون سال دور می‌زند. تا کنون خورشید ۱۵ تا ۲۰ دور به گرد هسته کهکشان چرخیده است. ما منظره کهکشان عظیم و پرستاره‌ای را که درون آن زندگی می‌کنیم، به صورت راه شیری می‌بینیم. در کهکشان ما، احتمالا صد هزار میلیون ستاره وجود دارد. ما در میان این کهکشان هستیم و به همین دلیل نمی‌توانیم شکل کلی آن را به آسانی تجسم کنیم. در واقع، کهکشان راه شیری، شبیه یک چرخ فلک غول پیکر است و دو بازوی پرستاره دارد، که چندین بار به دور بخش مرکزی پیچیده‌اند. طول کهکشان ما ۱۰۰۰۰۰ سال نوری است.

۳۰۰۰۰ سال طول می‌کشد تا یک پیام رادیویی از زمین به مرکز آن برسد. اگر ستارگان کهکشان را با سرعت سه ستاره در یک ثانیه بشماریم، هزار سال طول می‌کشد. از رئیس رصدخانه پالوما (پرسیده‌اند) که «آیا شما به مرز هستی رسیده‌اید؟» پاسخ داده است «خیر، ما می‌توانیم تا فاصله ۲۰ میلیارد سال نوری امواج را دریافت کنیم. قطر آن‌چه ما از هستی شناخته‌ایم ۴۰ میلیارد سال نوری است» در فراسوی قدرت دید ما، کائنات و کهکشان‌هایی است که هرگز چشم ما قادر به درک آن‌ها نیست در بعضی موارد این را تجربه کرده‌ایم. رصدخانه هابل رفت در مدار زمین، قدرت دید آن هزاران برابر دید زمین شد و توده ای به اندازه یک سر سنجاق مشاهده شد که به نظر یک خورشید می‌رسید ولی در اصل یک توده کهکشانی با ۸ هزار کهکشان بود. این قدرت دستگاه‌های گیرنده ماست، ما هنوز یک میلیاردم هستی را نتوانسته‌ایم ببینیم. قطر آنچه ما شناخته‌ایم ۴۰ میلیارد سال نوری است با ۴۰۰ میلیارد کهکشان. کهکشان‌هایی که چندین برابر کهکشان ما هستند (تا ۶۰ برابر) با این همه یک میلیاردم هستی را هم نتوانسته‌ایم بشناسیم. کائنات بسیار عظیم‌تر از آن است که به فکر بشری خطور کند. کهکشان به مجموعه ستارگان،گاز و غبار گفته می‌شود که توسط نیروی جاذبه در کنار یکدیگر قرار گرفته اند. این اجرام، تعداد زیادی از ستارگان و مواد غیر ستاره‌ای را شامل می‌شوند که درخشندگی جرم فراوانی دارند. کوچک‌ترین کهکشان‌ها دارای عرضی برابر با چند صد سال نوری هستند و بزرگ‌ترین کهکشان‌ها تا ؟ میلیون سال نوری عرض دارند و شامل بیش از ۱۰۰۰ میلیارد ستاره هستند. منظومه‌شمسی ما در کهکشانی به نام راه‌شیری قرار گرفته است.

امروز تقریبا اطمینان داریم از این‌که کهکشان راه‌شیری بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار سال نوری قطر دارد. البته عالم‌وجود ما خیلی بزرگ‌تر از این اعداد است. طبق برآوردهای کنونی، قطر جهان ۹۳ میلیارد سال نوری است، ستاره‌شناسان فهمیدند کهکشان‌هایی که بر انتها عالم قابل مشاهده هستند و نور آن‌ها ۱۳/۸ میلیارد سال طول کشیده است که به ما برسد، اکنون در فاصله‌ی ۴۶/۵ میلیارد سال نوری از ما قرار دارند. این بهترین تخمین ما از عرض عالم قابل مشاهده است. اگر آن را ضرب در دو بکنیم به قطر ۹۳ میلیارد سال نوری برای کیهان می‌رسیم. در فواصل کیهانی بسیار بزرگتر، ده‌ها میلیارد سال نوری، چیزی به نام ثابت واحد هابل به میان می‌آید؛ این ثابت واحد سنجش انبساط کیهان است. هر آن‌چه که ما قادر به مشاهده آن هستیم تنها پنج‌درصد از گیتی را تشکیل می‌دهد و ۹۵درصد دیگر انرژی تاریک و ماده تاریک هست. ما بزرگ‌ترین نقشه ممکن را برای مطالعه ۹۵درصد از جهان هستی که تاریک است، ساخته‌ایم. در این نقشه، می‌توان دید که کهکشان‌ها بر اثر گرانش و به وسیله ماده تاریک به سمت کهکشان‌های دیگر کشیده می‌شوند. و در مقیاس بزرگ‌تر، می‌بینیم که انرژی تاریک با تأثیر خود بر کهکشان‌ها، باعث انبساط عالم می‌شود.

منظومه شمسی ما در بخش خارجی‌تر کهکشان راه‌شیری قرار دارد. دانشمندان حدس می‌زنند تعداد ستارگان کهکشان راه‌شیری به ۴۰۰ میلیارد بالغ شود. بیشتر این ستارگان از زمین قابل مشاهده نیستند. تقریباً هرچیزی که ما می‌توانیم در آسمان ببینیم، به کهکشان راه شیری تعلق دارد.

کوچک‌ترین کهکشان‌ها دارای پهنایی برابر با چند صد سال نوری، شامل نزدیک به ۱۰ میلیون ستاره هستند. بزرگ‌ترین کهکشان‌ها تا ۳ میلیون سال نوری پهنا دارند و شامل بیش از ۱۰۰,۰۰۰ میلیارد ستاره هستند.

خورشید حدود ۲۶۰۰۰ سال نوری از مرکز کهکشان راه‌شیری فاصله دارد. کهکشان راه‌شیری حدود ۸۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰۰ سال نوری درازا و کمتر از ۷۰۰۰ سال نوری ضخامت دارد. ما روی یکی از بازوهای مارپیچی کهکشان راه‌شیری، به طرف خارج و لبه آن قرار داریم. خورشید و منظومه‌شمسی ما حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیون سال طول می‌کشد تا یک‌بار به دور کهکشان راه شیری به‌گردند. در این مدار، زمین و بقیه منظومه‌شمسی با سرعتی معادل حدود ۱۵۵مایل در ثانیه یا ۲۵۰کیلومتر در ثانیه حرکت می‌کنند .

البته زمین در یک مکان عالی در نزدیکی مرکز کمربند حیات کهکشانی واقع شده است. جالب‌تر از همه این است که طبق گفته اخترفیزیک‌دانان دانشگاه ملی استرالیا، کمربند حیات کهکشانی تنها دارای ۱۰درصد از کل ستاره‌های راه شیری است.

اگر بخواهیم از زمین به مرکز کهکشان برویم باید هدف را صورت فلکی قوس قرار دهیم. شکاف‌بزرگی در کهکشان راه‌شیری وجود دارد که در واقع یك سری از ابرهای تیره و تار حاوی گرد و غبار در این کهکشان است. این ابرها از صورت فلکی قوس تا صورت فلکی ماکیان گسترده شده‌اند. سامانه‌هایی بزرگ و با اندازه و مرزی مشخّص هستند که از ستاره‌ها، بقایای ستاره‌نماها (شبه ستاره‌ها)، ماده تاریک، گازها و گرد و غبارهای میان ستاره‌ای تشکیل یافته‌اند و با نیروهای گرانشی به گردِ هم آمده‌اند.

۵ تا ۱۰ میلیارد سیاره شبیه زمین؛ این تخمین براساس داده‌های تلسکوپ فضایی کپلر ناسا است. این تلسکوپ که در سال ۲۰۰۹ به فضا پرتاب شد و با استفاده از روش گذر (transit) به جستجوی سیارات فراخورشیدی خارج از منظومه شمسی پرداخت. تلسکوپ کپلر بیش ۵۳۰۰۰۰ ستاره را به منظور کاهش درخشش بر اثر گذر سیاره از مقابل آن تماشا کرد.

تلسکوپ کپلر درک ما را از کهکشان با کشف بیش از ۲۶۰۰ سیاره فراخورشیدی دگرگون کرد، این تلسکوپ نشان داد که تعداد سیارات کهکشان راه‌شیری بیشتر از ستاره‌ها است و به محققان بینش جدیدی درباره تنوع انواع سیاره‌ها داد این تلسکوپ هم‌چنین به دانشمندان اجازه داد تا برای اولین بار تأیید کنند که بسیاری از سیارات فراخورشیدی شبیه به زمین هستند.

از جمله اطلاعات مهم دیگری که در وب سایت NASA ارائه شده این است که تاکنون ۳۰۱۶ سیستم سیاره‌ای در کهکشان ما کشف شده است.

دانشمندان تا امروز نزدیک به چهل سیاره شبیه به زمین کشف کرده‌اند که همگی به خاطر خاص بودن، جزو جالب‌ترین‌های فضا به شمار می‌روند.

اما سوال این جاست که دورترین جای عالم کجاست؟ دورترین جرمی که تا به حال رصد شده مربوط به یک ستاره یا یک کهکشان معمولی نیست. کهکشانی است با یک هسته فعال که کوازار نامیده می‌شود. کوازارها در حقیقت دورترین اجرام شناخته شده در جهان هستند که چیزی در حدود ۱۳/۲ میلیارد سال نوری با ما فاصله دارند.

نور دورترین کهکشان ۱۳ میلیارد سال پیش سفرش را آغاز کرده تا به ما رسیده است پس تصویری را از کهکشان نشان می‌دهد که مربوط به ۱۳ میلیارد سال پیش است و این یعنی ما داریم به تصویری فوق باستانی نگاه می‌کنیم!براساس داده‌های جمع‌آوری شده از تلسکوپ فضایی هابل، پیش از این تصور می‌شد که حدود ۲۰۰ میلیارد کهکشان در جهان وجود دارد. اما اکنون اعتقاد بر این است که حداقل ده‌برابر این مقدار کهکشان در فضا وجود دارد.

شاید تصور کنید که جدا از خود سیارات و ستاره‌ها، فضای اطراف آن ها به طور کامل خلاء بوده و خالی از هر چیزی است. خلاء بودن فضا درست است اما به طور کامل این‌گونه نیست چون ذرات کم تراکمی مثل ابرهایی از غبار بین ستاره ای، پلاسمای فضایی و پرتوهای کیهانی در فضا وجود دارد.

بزرگترین منبع آب (شناخته شده تا امروز) در سرتاسر کائنات، شبه اخترAPM ۰۸۲۷۹+۵۲۵۵ است. شبه اخترها، اشیای بسیار فشرده‌ای هستند که ظاهری شبیه به ستاره داشته باشد و درخشش فوق‌العاده زیادی دارند. گفته می‌شود شبه اخترها از سیاه‌چاله‌های بسیار بزرگ قدرت می‌گیرند. شبه اختر APM 08279+5255 شامل سیاه‌چاله‌ای احاطه شده توسط ابری از بخار بوده و میزان آب درون آن در مقایسه با منبع آب موجود در زمین، نزدیک به ۱۴۰تریلیون برابر بیشتر است! به این ترتیب می‌توان APM 08279+5255 را یکی از جالب ترین های فضا و بزرگترین مخزن آب کشف شده تا امروز دانست.

یک اخترفیزیک‌دان و یک عصب‌شناس، تصمیم گرفته‌اند که با هم‌کاری یک‌دیگر، پیچیدگی شبکه‌های کهکشانی و شبکه‌های عصبی مغز را مقایسه کنند و شباهت‌های میان آن‌ها را شناسایی کنند. نتایج اولیه این مقایسه‌ها شگفت‌انگیز بوده‌اند. این دو دانشمند کشف کرده‌اند که نه تنها شبکه‌های عصبی مغز به شبکه‌های کیهانی شباهت نزدیکی دارند؛ بلکه آن‌ها در واقع در ساختار نیز یکسان بوده و مشابه یکدیگر هستند. ممکن است که جهان در همه‌جا یکسان باشد و تنها مقیاس آن متفاوت باشد. به عبارت دیگر، در مغز ما یک جهان وجود دارد و در آسمان‌ها نیز جهانی مشابه‌تر؛ اما با مقیاس چندین میلیارد برابر بزرگ‌تر. در این‌جا باید گفت که شبکه‌ی کیهانی بیش از آن‌که به اجزای درونی یک کهکشان شباهت داشته باشد، به مغز انسان شبیه است و شبکه‌ی عصبی مغز انسان نیز بیش از آن‌که به شبکه‌ی عصبی بدن شباهت داشته باشد، شبیه شبکه‌ی کیهانی است. البته تفاوت‌های عمده‌ای در زیرساخت‌ها، مکانیزم‌های فیزیکی و اندازه‌ی این دو شبکه وجود دارد.

این تحقیق که در مجله نجوم منتشر شده است، حاکی از آن است که از هر ۴ ستاره شبه خورشید یک سیاره شبیه زمین وجود دارد که به دور آن‌ها می‌چرخد. با این حساب می‌توان گفت که حدود ۱۰ میلیارد جهان شبیه زمین در کهکشان ما وجود دارد. این برآورد یک گام مهم در جستجوی زندگی بیگانه است، زیرا احتمال دارد که یک سیاره شبیه زمین با دمای کافی برای وجود آب بصورت مایع وجود داشته باشد.

پژوهش‌گران می‌گویند نورهای درخشانی که در سراسر کهکشان راه شیری دیده می‌شود، احتمالا ابرهایی پر شده از الماس هستند که در اطراف ستاره‌های دور قرار دارند. این کریستال‌های کربنی، هم‌چنین به عنوان نانوالماس شناخته می‌شوند، در گرد و غبار و ابرهای گاز یافت می‌شوند که ستارگان تازه متولد شده را احاطه می‌کنند. این مجموعه از گرد و غبار و گاز که به عنوان یک "قرص پیش‌سیاره‌ای" شناخته می‌شوند، جایی است که سیارات شروع به تشکیل می‌کنند و حاوی هسته‌ای از مولکول‌های آلی می‌شوند. در سیاره زحل و مشتری رعدوبرق‌های مکرر باعث می‌شود تا متان به نوعی دوده تبدیل شود که از آن با نام علمی کربن یاد می‌شود. این دوده‌ها ابتدا به شکل تکه‌های گرافیت ایجاد می‌شوند و سپس تبدیل به الماس می‌شوند. به گفته محققان، بارش تگرگ در زحل و مشتری با دانه‌های الماس انجام می‌شود و از آن‌جا که سطح دو سیاره یاد شده دمای بسیار زیادی دارد، دانه‌های الماس پس از برخورد با آن ذوب می‌شوند، محققان ناسا اعلام کردند سالانه حدود ۱۰۰۰ تن الماس بر سطح زحل می‌بارد، البته باید گفت این در حد یک تئوری باقی مانده، بر اساس مستندات موجود در سیاره زحل، نپتون، مشتری و برخی دیگر از سیارات باران الماس می‌بارد.

آواز ماورای عشق

تجارب نزدیک به مرگ درباره عظمت جهان آفرینش؛ در تمام اطرافم ستاره‌ها و سیارات و کهکشان‌ها و جهان‌ها را می‌دیدم که هر یک از خود درخشش حیات را صادر می‌کردند. نه حیات به گونه‌ای که ما آن را تعریف می‌کنیم، بلکه یک انرژی، یک ارتعاش، یک فضا و اتمسفر پر از شادی و شعف که همه ما بخشی از آن و در آن جزئی از کل هستیم... ...من نگاه کردم و منظره‌ای شبیه به یک کهکشان پر از ستاره در پیش روی من بود. بی‌نهایت نقطه درخشان و نورانی که من هم یکی از آن‌ها بودم. ما همه در آن‌جا حضور داشتیم و همه به هم متصل بودیم. روح هر انسان، هر حیوان، و حتی هر صخره و سنگی در آن‌جا بود. بله، یک تکه سنگ هم دارای حیات و روح است. همه‌چیز از عشق ساخته شده است و دارای روح و حیات است. همه ما به هم متصلیم و در حقیقت همه ما با هم یکی هستیم. من هنوز من بودم، ولی با این حال ما و جمع بودم و همه ما خدا بودیم.

نه این‌که من خدا باشم، بلکه من از جوهره خدا هستم و قدرت و توانایی او را درون خودم دارم. من به تنهایی خدا نبودم، ولی به نوعی با اتصالی که به همه داشتم جزیی از خدا بودم. همهٔ ما با هم آوازی میخواندیم که در حقیقت مناجات و ستایش الهی بود. این سرود و نجوا دربارهی عشق بود و چنان زیبا بود که زیباترین موسیقی‌های روی زمین در برابر آن ناشیانه به نظر میرسند. گویی می‌توانستی این موسیقی و آوا را لمس کرده و بچشی و حس کنی. آن به درون من وارد می‌شد و به آن معنایی کاملاً جدید می‌بخشید. هرگز آن‌را فراموش نمی‌کنم، صحنه‌ای مطلقاً زیبایی بود. ما با یک‌دیگر یک ضمیر و ادراک واحد را تشکیل داده بودیم، به همراه عشقی خالص و بی‌نهایت... ...تقریبا بلافاصله چشم انداز کره زمین جای خود را به چشم اندازی از منظومه شمسی داد (که آن هم به سرعت از من دور می‌شد).

به سرعت این منظره هم با چشم انداز خوشه‌ای از ستارگان جای گزین شد که ظاهراً یکی از بازوهای کهکشان راه شیری بود (که منظومه ما در آن قرار دارد). همانگونه که با سرعت به طرف خارج حرکت می‌کردم، تمامی این را در سطوح مختلفی جذب و دریافت می‌نمودم که منحصر به دیدن نبود. هنوز هم می‌توانستم محل سیاره زمین را در فضا حس کنم، گرچه اکنون دیگر فاصله زیادی از آن داشتم و چنین چیزی نمی‌بایست امکان داشته باشد. حال کلی من راحتی، شگفت زدگی، بهت و حیرت، تعلق داشتن، و نوعی احساس «درست و راست» بودن بود، و مافوق تمام این احساسات چیزی بود که تنها می‌توانم آن‌را احساس عشقی ورای تحمل بنامم، گرچه این کلمات برای توصیف آن احساسات بسیار نارسا می‌باشند... ...هنوز هم در حال شتاب گرفتن و جذب کردن و بیشتر شدن بودم! کهکشان‌ها (در اثر فاصله من) به اندازه یک دانه ماسه شده بودند.

من کهکشان‌های عظیمی را می‌دیدم که در حال برخورد به یک‌دیگر بودند. حفره‌هایی را در فضا می‌دیدم که واقعاً حفره و خالی نبودند، بلکه با چیزی پر شده بودند که حتی در آن سطح درک نمی‌توانستم بفهمم چیست. کهکشان‌های بسیاری در پیش روی من وجود داشتند که می‌توانستم آن‌ها را حس کرده و ببینم. ولی هنوز می‌توانستم حس کنم که سیاره ما کجاست. می‌گویم حس کردن، زیرا کهکشان راه شیری اکنون ناپدید شده بود و من نمی‌توانستم دیگر آن را ببینم، ولی می‌توانستم آن را نیز حس کنم. من به حرکت خود به سمت خارج ادامه دادم. می‌توانستم یک انحناء را در صحنه پیش رویم تشخیص دهم و متوجه شدم که تمام (این) جهان (فیزیکی) در واقع یک کره عظیم است که تمامی کهکشان‌ها را در خود دارد. با حرکت من به سمت عقب و تاریکی که ورای این کره بود این بیشتر هویدا می‌شد.

ولی هنوز هم گه گاهی یک کهکشان در حالی که به سمت خارج می‌رفتم با سرعت از کنارم عبور می‌کرد. سپس احساس حضور چیز یا وجودی بزرگ را پشت سرم کردم. به نظر رسید که سرعت من کمی آهسته‌تر شد و کمی توقف کرده و سپس از حد و مرزی عبور نمودم و (اکنون از خارج) به این کره که تمامی جهان (فیزیکی) ما را در خود داشت می‌نگریستم. به نظر می‌رسید که آن همزمان شفاف ولی اندکی غیر شفاف بود، مانند این‌که من به میدان‌های انرژی که جهان ما را در بر دارد نگاه می‌کردم. آن‌را می‌توان به پوسته الکترون که اتم را دربر گرفته است تشبیه کرد... ...ما درختان، گل‌ها، سنگ‌ها، خاک، حشرات، کوه‌ها، ابرها، پرندگان، اقیانوس، امواج، باد، فصل‌ها، و آسمان پر ستاره روشن گسترده هستیم. ما نَفَس مادر طبیعتیم. ما بیکران، فضادار، و باستانی، مانند جهانی با میلیاردها کهکشان و هر یک با میلیاردها خورشید هستیم.

در واقع، ما به عنوان انسان، جهان کوچکی نسبت به اکوسیستم‌ها، جهان‌ها، کهکشان‌ها، و کل عالم و نیز جهان بزرگی نسبت به مولکول‌ها، سلول‌ها، و ارگان‌ها هستیم. همه در ترکیب خود تقریبا به یک نسبت فضادار هستند. همه توسط هوشمندیِ زندگی ایجاد شده و نظم داده شده‌اند. همگی تولد، رشد، کاهش، و مرگ یا تغییر را تجربه می‌کنند... ...ولی سفر و مکاشفهٔ من تازه آغاز شده بود. من به سیاحت و گشت و گزار در جهان مهمان شده بودم. در یک آن، با سرعت فکر، به مرکز ستارههایی که در حال تولد و شکل گرفتن بودند رفتم؛ ابرنواخترهایی که در حال انفجار بودند؛ ستارههایی که به پایان عمر خود رسیده بودند؛ چشم‌انداز کهکشان‌ها که با شکوه و عظمت در میان فضا با درخشش می‌چرخیدند، منجمله کهکشان راه شیری.

این سفر اثر و احساسی را در من باقی گذاشت: این که تمام جهان یک چیز واحد و یکپارچه است و از یک جنس درست شده است؛ زمان و مکان توهماتی هستند که ما را در این سطح [فیزیکی] قرار می‌دهند؛ در ورای این سطح فیزیکی، همه‌چیز همزمان حضور دارد؛ من یک مسافر در سفینهٔ الهی بودم که در آن خالق، تمامیت و زیبایی خلقت خود را به من نشان داد. در آن‌جا هیچ تاریکی وجود نداشت، حتی بین اشیاء و چیزها و هر چیزی پوششی از نور بر خود داشت، و زنده و آگاه بود و از خود عشق صادر می‌کرد... ...احساس می‌کردم در اعماق فضا هستم، در فاصل‌های بسیار دور از تمام کهکشان‌ها و ستاره‌ها، تریلیون‌ها سال نوری دورتر از هر گونه منظومه یا سیاره یا موجود دیگر. گویی من در دورترین لبهٔ جهان قرار داشتم. تنها چیزی که می‌توانستم ببینم چند نقطهٔ بسیار کوچک نور بود که از فاصله‌ای بسیار دوردست به زحمت دیده می‌شد.

این نقاط انگشت شمار به نظر ستاره‌هایی بودند که در خارجی‌ترین دامنهٔ نزدیک‌ترین کهکشان‌ها به من قرار داشتند. آن‌ها بسیار کم نور و کوچک بودند و من در ابتدا متوجه آن‌ها نشدم. کاملاً آگاه بودم که اکنون در یک کالبد فیزیکی قرار ندارم. من تنها یک موجود نامرئی و مانند یک گوی کوچک بودم. متوجه شدم که چقدر در برابر پهنای فضا و عظمت جهان کوچک و ناچیز هستم... ...درون نور می‌دانستم که هر چیز و هرکس به او متصل است. خدا درون همه است، همیشه و برای ابد. درون نور شفای تمام دردها بود، درون نور تمام حکمت و دانش مربوط به هر سیاره و هر کهکشان و هر جهان وجود داشت. در حقیقت، نور خود حکمت و خرد و عشقی ورای درک و فهم بود. یکی بودن با نور مانند این بود که ناگهان به هر دانهٔ ماسه و هر ذره بر روی هر سیاره و کهکشان در هر جهانی اشراف دارید و به‌طور هم زمان می‌دانید چرا خدا هر دانهٔ ماسه و ذره را در جای خاص خود قرار داده است...

...می‌توانستم تمامی جهات را به طور همزمان ببینم. دید من به اندازه‌های شفاف و غنی و زنده بود که در بعد مادی نمی‌توان آن را یافت. نه تنها می‌توانستم چیزها را ببینم، بلکه می‌توانستم آن‌ها را حس کنم. همه‌چیز، حتی سیاره‌ها و ستاره‌ها زنده بودند. این با تصویری که مثلا از یک تلسکوپ می‌بینید بسیار تفاوت دارد. من به بالا نگاه کردم و مقصد خود را دیدم و در بهت و ستایش شکوه و هیبت الهی غرق گشتم. نور درخشان پر از عشق، شکل دو بال به خود گرفت و من را در آغوش بی‌انتهای معنویت خود، که تمام جهان هستی را در برگرفته بود، فشرد. سیارات، ستاره‌ها، کهکشان‌ها و خوشه‌های کهکشان‌ها را می‌دیدم که همگی در این آغوش الهی جهانی دربر گرفته می‌شدند. احساس من در آغوش او، عشق، سرور، خلسه، امنیت، آرامش، سکون، راحتی، گسترش، آزادی و خوشحالی بود. احساس می‌کردم که با تمامی هستی یکی و متحد هستم.